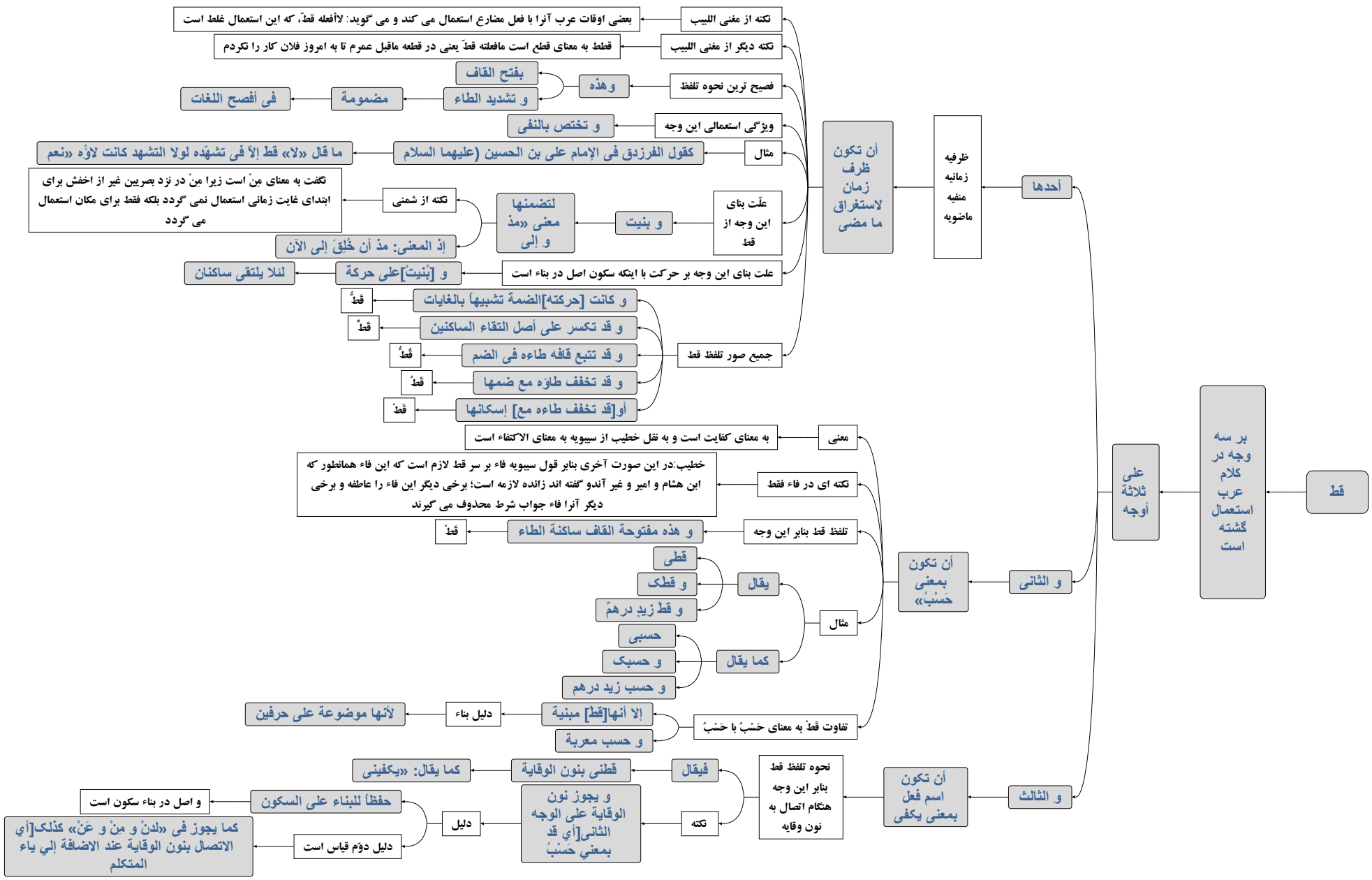
قط
بر سه وجه در کلام عرب استعمال گشته است
علی ثلاثة أوجه
أحدها
ظرفیه زمانیه منفیه ماضویه
أن تکون ظرف زمان لاستغراق ما مضی
تکته از مغنی اللبیب
بعضی اوقات عرب آنرا با فعل مضارع استعمال می کند و می گوید: لاأفعله قطّ، که این استعمال غلط است
تکته دیگر از مغنی اللبیب
قطط به معنای قطع است مافعلته قطّ یعنی در قطعه ماقبل عمرم تا به امروز فلان کار را نکردم
فصیح ترین نحوه تلفظ
وهذه
بفتح القاف
و تشدید الطاء
مضمومة
فی أفصح اللغات
ویژگی استعمالی این وجه
و تختص بالنفی
مثال
کقول الفرزدق فی الإمام علی بن الحسین (علیهما السلام
ما قال «لا» قطّ إلاّ فی تشهّده لولا التشهد کانت لاؤُه «نعم
علّت بنای این وجه از قط
و بنیت
لتضمنها معنی «مذ و إلی
تکته از شمنی
تگفت به معنای مِنْ است زیرا مِنْ در نزد بصریین غیر از اخفش برای ابتدای غایت زمانی استعمال نمی گردد بلکه فقط برای مکان استعمال می گردد
إذ المعنی: مذ أن خُلِقَ إلی الآن
علت بنای این وجه بر حرکت با اینکه سکون اصل در بناء است
و [بُنیتْ]علی حرکة
لئلا یلتقی ساکنان
جمیع صور تلفظ قط
و کانت [حرکته]الضمة تشبیهاً بالغایات
قَطُّ
و قد تکسر علی أصل التقاء الساکنین
قَطِّ
و قد تتبع قافه طاءه فی الضم
قُطُّ
و قد تخفف طاوٌه مع ضمها
قَطُ
أو[قد تخفف طاءه مع] إسکانها
قَطْ
و الثانی
أن تکون بمعنی حَسْبُ»
معنی
به معنای کفایت است و به نقل خطیب از سیبویه به معنای الاکتفاء است
تکته ای در فاء فقط
خطیب:در این صورت آخری بنابر قول سیبویه فاء بر سر قط لازم است که این فاء همانطور که ابن هشام و امیر و غیر آندو گفته اند زائده لازمه است؛ برخی دیگر این فاء را عاطفه و برخی دیگر آنرا فاء جواب شرط محذوف می گیرند
تلفظ قط بنابر این وجه
و هذه مفتوحة القاف ساکنة الطاء
قَطْ
مثال
یقال
قطی
و قطک
و قط زیدٍ درهمٌ
کما یقال
حسبی
و حسبک
و حسب زید درهم
تفاوت قَطْ به معنای حَسْبُ با حَسْبُ
إلا أنها[قطْ] مبنیة
دلیل بناء
لأنها موضوعة علی حرفین
و حسب معربة
و الثالث
أن تکون اسم فعل بمعنی یکفی
نحوه تلفظ قط بنابر این وجه هنگام اتصال به نون وقایه
فیقال
قطنی بنون الوقایة
کما یقال: «یکفینی
تکته
و یجوز نون الوقایة علی الوجه الثانی[أي قد بمعني حَسْبُ
دلیل
حفظاً للبناء علی السکون
و اصل در بناء سکون است
دلیل دوّم قیاس است
کما یجوز فی «لدنْ و مِنْ و عَنْ» کذلک[أي الاتصال بنون الوقایة عند الاضافة إلي یاء المتکلم